

روش‌شناسی استنباط حکم اخلاقی بر اساس تحلیل فلسفی ارزش‌های اخلاقی

نویسنده: علی احمدی امین (هیئت علمی جامعه المصطفی)^۱

چکیده

بر اساس منابع اخلاقی، روش‌های متعددی برای استنباط حکم اخلاقی قابل طرح است. ارزش‌های اخلاقی که از رابطه بین آثار عمل و هدف نهایی اخلاق انتزاع می‌شوند، بیانگر نوعی نسبت در واقعیت‌های خارجی هستند. در اینجا با تحلیل فلسفی مولفه‌های موثر در واقعیت ارزش‌های اخلاقی، روش استنباط حکم اخلاقی را به دست می‌آوریم. برای رسیدن به حکم اخلاقی لازم است، پیامدهای عمل اخلاقی را با هدف نهایی اخلاق، لوازم هدف نهایی اخلاق و اهداف میانی که در منظومه‌ای از اهداف انسانی گرد آمده‌اند، سنجید. همچنین، با درون‌نگری و روش‌های تشخیصی روانشناختی متعلق نیت فاعل قابل شناسایی است. دیگر اینکه گستره شمولیت آثار عمل در سنجش اخلاقی دخالت دارد. از طرفی دیگر مطابقت عمل با قواعد عام و خاص اخلاقی مربوط به اجتماع در فهم حکم اخلاقی موثرند. نهایتاً توجه به ارزش‌های مزاحم و تعیین مورد با اهمیت‌تر ما را به حکم اخلاقی قابل اطمینان رهنمود خواهد ساخت.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، روش‌شناسی، استنباط حکم اخلاقی، ارزش اخلاقی، تحلیل فلسفی.

مقدمه

احکام اخلاقی نظری برای موجه شدن نیازمند توجیه و دلیل هستند. اندیشمند اخلاقی برای مستدل کردن باورهای اخلاقی لازم است روشی قابل اعتماد برگزیند و از روش ارائه شده دفاع کند. در حوزه اخلاق گستره وسیعی از دیدگاه‌ها ارائه شده که در برخی موارد در جهت مقابل یکدیگرند. از دیدگاهی که امکان

^۱ Ali_۲۰۷۵۰@yahoo.com.

توجیه در اخلاقیات را منتفی کرده‌اند تا دیدگاه‌های انسجام‌گرا در توجیه و نهایتاً طیفی از دیدگاه‌های مبنای این گستره را تشکیل می‌دهند. برخی از مبنای‌گرایان گزاره‌های پایه اخلاقی را به شهود و وجدان ارجاع داده‌اند (مور، ۱۳۸۸، ص ۱۰۳-۱۱۴) و دیگرانی آنها را بدیهی دانستند؛ (لاهیجی، ۱۳۶۴، ص ۶۱) برخی دیگر با رویکردی استعلایی، گزاره‌های پایه را شرط تحقق احکام اخلاقی تلقی کردند؛ (سالیوان، ۱۳۸۰، ص ۶۲) و دیگرانی گزاره‌های اخلاقی پایه را اموری عرفی و مشهوری پنداشته‌اند (فرانکنا، ۱۳۸۹، ص ۲۱۵-۲۱۶) و افرادی همچون علامه مصباح با ارجاع احکام اخلاقی نظری به احکام غیراخلاقی بدیهی دست به توجیه آنها می‌زنند. (ر.ک، مصباح، ۱۳۷۳، ص ۱۱۷-۱۱۸)

روش استنباط حکم اخلاقی از منابع اخلاقی متأثر است. روش استنباط حکم اخلاقی از منبع نقلی با منبع عقلی متفاوت بوده و این دو روش با روش تجربی نیز متفاوتند. ممکن است در یک دیدگاه مانند دیدگاه اسلام، همه این منابع برای استنباط حکم اخلاقی پذیرفته شوند (مجتبی‌مصباح، ۱۳۹۸، ص ۲۱۲) و ممکن است برخی دیدگاه‌ها همه منابع را معتبر ندانند. ما در این مقاله تلاش داریم با تأکید بر روش عقلی و با تحلیل فلسفی ارزش اخلاقی، روشی برای استدلال اخلاقی ارائه دهیم. ممکن است در بررسی‌های پیش‌رو با استدلالی مواجه شویم که برخی از مقدمات آن نقلی یا تجربی باشند، لکن ما در اینجا به آن بخش از استدلال می‌پردازیم که مربوط به تحلیل فلسفی است. بنابراین روش استنباط احکام اخلاقی از نقل یا به تعبیری اخلاق استظهاری و یا روش‌شناسی تجربی در فهم احکام اخلاقی مدنظر ما نیست.

استنباط حکم اخلاقی با تأکید بر تحلیل فلسفی

شناخت روش برای استنباط احکام اخلاقی، بحثی متمایز از بحث‌های معناشناسانه و معرفت‌شناسانه در فرااخلاق است. درعین حال یافتن روش استنباط حکم اخلاقی متوقف بر معنای مفاهیم اخلاقی و توجیه اخلاقی می‌باشد. حقایق اخلاقی اموری ماهوی نیستند و مفاهیم ارزشی از سنخ معقولات ثانی فلسفی می‌باشند که با نسبت‌سنجی و لحاظ عقلی انتزاع می‌شوند. استنباط حکم اخلاقی به معنای یافتن حکم ارزشی یک عمل اختیاری در موقعیت خاص است. همانطور که بیان شد در اینجا به دنبال استظهار از متن نیستیم و استنباط مورد نظر با توجه به تحلیل فلسفی موقعیت اخلاقی و سنجش عمل اخلاقی با توجه به معیار اخلاق هستیم. رسیدن

به استنباط حکم اخلاقی روشی می‌طلبد که بر اساس آن اندیشمند اخلاقی بداند چه مولفه‌هایی را باید رصد کند و چه نسبت‌هایی را باید بکاود و چگونه به حکم اخلاقی دست‌یابد. در ادامه مولفه‌های دخیل در حکم اخلاقی را تحلیل کرده، روش قابل قبول را تبیین می‌کنیم.

ارزش‌سنجی فعل اخلاقی با استفاده از مقدمات تحلیلی

برخی از احکام اخلاقی از سنخ گزاره‌های تحلیلی هستند به این معنا که محمول اخلاقی در موضوع اخلاقی اشراب شده است بطوری‌که یا جزءی از معنای آن است یا از لوازم غیر قابل انفکاک و بین آن می‌باشد. (زادیوسفی، ۱۳۹۲) به عنوان مثال گزاره «العدل حسن»، اگر عدل به معنای «وضع الشیء فی موضعه الحسن» باشد گزاره‌ای تحلیلی است. علامه مصباح در این رابطه می‌فرماید: «به نظر ما حسن عدالت و لزوم رعایت آن، در ادراکات عملی، از جمله قضایای تحلیلی است و راز بدیهی بودنش نیز در تحلیلی بودن آن نهفته است» (مصباح، ۱۳۹۱، ص ۱۲۸). این گزاره به جهت تحلیلی بودن بدیهی است، اما به همان جهت امکان شناسایی مصادیق خود را ندارد. اندیشمند اخلاقی که حکم اخلاقی یک واقعه خاصی را استنباط می‌کند، نمی‌تواند به این گزاره بسنده کند، هرچند می‌تواند از این گزاره در کبرای یک قیاس منطقی بهره‌برد. صغرای قیاس ممکن است از روش عقلی یا نقلی یا هر روش دیگری به دست آید و قیاسی با کبرای تحلیلی مورد نظر شکل دهد. قیاس مورد نظر عبارت است از:

مقدمه اول: الف مصداق عدل است.

مقدمه دوم: عدل نیکوست.

بنابراین: الف نیکوست.

مثال دیگر برای گزاره‌های تحلیلی در اخلاق این گزاره است: «اطاعت و بندگی خداوند متعال موجب تقرب به خداوند است.» با توجه به معیار مورد قبول در اخلاق، حُسن فعل به نسبت آن با قرب الهی سنجیده می‌شود. با توجه به اینکه میان طاعت و بندگی الهی و تقرب به او تلازم وجود دارد می‌توان محمول این گزاره اخلاقی را از لوازم موضوع آن دانست و آن را تحلیلی ارزیابی کرد. بنابراین می‌توان چنین استدلال کرد:

مقدمه اول: الف مصداق بندگی است.

مقدمه دوم: بندگی موجب تقرب به خداوند است.

بنابراین: الف موجب تقرب به خداوند است.

همچنین می‌دانیم که هرچیزی که موجب تقرب به خداوند می‌شود به جهت اخلاقی نیکوست، لذا می‌توان نتیجه گرفت که اطاعات و بندگی خداوند متعال اخلاقاً نیکوست. باید توجه داشت که این گزاره نیز هیچ مصداقی از مصادیق خود را نشان نمی‌دهد. به عنوان مثال نمی‌توان نماز یا روزه یا هر فعل دیگری را بطور مطلق مصداق عبادت دانست زیرا ممکن است همین افعال در برخی مصادیقش مصداق معصیت و عدم بندگی باشد.

لازم به ذکر است که گزاره‌های تحلیلی توتولوژیک یا این‌همانی مفهومی صرف نیستند. این گزاره‌ها فاقد محتوا نیستند و هریک بینشی نسبت به ویژگی‌های افعال ارزشمند اخلاقی به ما می‌دهند و به همین جهت با داشتن گزاره‌های تحلیلی و یافتن مصادیق موضوعات این گزاره‌ها می‌توان به استنباط حکم اخلاقی دست زد.

ارزش‌سنجی فعل اخلاقی با تحلیل فلسفی هدف اخلاق

هدف اخلاق رسیدن به سعادت و کاویدن راه وصول به بالاترین خیر و کمال اختیاری فاعل اخلاقی است. در جای خویش ثابت شده که مصداق بالاترین کمال اختیاری انسان، قرب و نزدیکی به کاملترین موجود یعنی خداوند متعال است که مطلوب و هدف نهایی اخلاق می‌باشد. (ر.ک، مجتبی‌مصباح، ۱۳۹۸، ص ۱۶۱) اگرچه مفاهیمی چون قرب الهی و کمال اختیاری از سنخ مفاهیم ارزشی و اخلاقی نیستند، اما از تحلیل فلسفی آنها می‌توان به مفاهیمی اخلاقی دست یافت. این مفاهیم که حکایت‌گر ویژگی‌ها و صفات وجودی انسان کامل و فرد قریب هستند، ارزش اخلاقی دارند.

قرب وجودی فاعل‌شناسا به موجود مطلق، به لحاظ فلسفی قابل تحلیل است. فاعل‌شناسا در بالاترین درجه قرب به بالاترین درجه معرفت حضوری و عشق و محبت به او نائل می‌گردد. بنابراین بالاترین درجه علم

حضوری به کمال مطلق و بالاترین درجه محبت به او دو ویژگی قابل شناسایی از هدف نهایی اخلاق هستند. همچنین اگر ایمان آمیخته‌ای از شناخت و گرایش تعریف شود، آنگاه از تحلیل این دو ویژگی بینی و گرایشی می‌توان به مفهوم ایمان منتقل شد و به این ترتیب پا به عرصه مفاهیم اخلاقی بازخواهد شد. می‌توان گفت، بالاترین درجه ایمان وصفی از غایت نهایی اخلاقی است^۲ و طبیعتاً با تحلیل مفهوم ایمان و یافتن لوازم آن به ویژگی‌های هدف اخلاق شناختی بهتر خواهیم یافت. علامه مصباح در تبیین اهمیت ایمان و اعتقادات می‌فرماید: «در مورد اهمیت ایمان و عقاید همین بس که بر اساس دیدگاه اسلامی، ماهیت و حقیقت وجودی هر کس تابع عقاید او است» (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۰، ص ۱۶)

انسان کامل در بیان عرفانی و اخلاقی گویای همان انسان فضیلت‌مندی است که شناخت ویژگی‌های وجودی او ما را در شناخت هدف اخلاق یاری می‌کند. شناخت ویژگی‌های انسان کامل از روش‌های متعددی همچون نقل، عقل و شهود ممکن است و با داشتن تبیینی روشن و تفصیلی از ویژگی‌های هدف اخلاق و منش انسان کامل، امکان سنجش اعمال اخلاقی فراهم خواهد شد.

ارزش‌سنجی فعل اخلاقی در تناسب با اهداف میانی

انسان برای رسیدن به هدف نهایی خویش لازم است اهداف متعددی در زندگی دنیایی و اجتماعی را تأمین کند. هرکدام از این اهداف میانی می‌توانند ملاک و معیاری باشند که در استنباط حکم اخلاقی بکار گرفته شوند. گاهی عدم تأمین نیازهای فردی و اجتماعی مانعی در رسیدن به هدف اخلاقی خواهند بود. فرض بگیرید برای رسیدن به معرفت الهی به نظامی برای یادگیری و تربیت افراد نیازمند باشیم؛ در این صورت تلاش برای احداث چنین نظامی، به جهت اخلاقی پسندیده و مطلوب خواهد بود.

اهداف میانی را می‌توان به دو بخش اهداف فردی و اهداف جمعی تقسیم کرد. همچنین اهداف فردی را می‌توان به اقسام و سطوحی تقسیم کرد که در این زمینه می‌توان از تحقیقات میان‌رشته‌ای همچون روانشناسی استفاده کرد. سطوح نیازهای مزلو (مازلو، ۱۳۷۲، ۹۲) یا دیدگاه‌های انتقادی نسبت به آن (مروتی، ۱۳۹۲ و

^۲ لازم به ذکر است که «ایمان» در برخی از کاربردها به درجات میانی و بعضاً ابتدائی سیر و سلوک الهی اطلاق می‌شود و از مقام‌های بالاتر با اصطلاحات دیگری همچون رضا و یقین و ... یاد می‌شود که با اصطلاح بکار رفته در اینجا متفاوت است.

شکوری، ۱۳۹۹) می‌توانند بینشی به نیازهای فردی از نیازهای اولیه تا شکوفایی وجودی ارائه کنند. اهداف جمعی نیز قابل دسته‌بندی و نظام‌مندسازی هستند. از اهداف کلان سیاسی تا حقوقی و اقتصادی در حوزه‌های مختلف آموزشی، درمانی، رفاهی و مانند آن از جمله این اهداف هستند.

نکته مهم در رابطه اهداف میانی، لزوم داشتن شاخص برای تحدید اهمیت و ارزش آن است. انسان در این دنیا لازم است ابتدا نیازهای اولیه خویش همچون خوراک و پوشاک را تأمین کند، اما جای این سوال است که پرداختن به این امور تا چه میزانی مطلوب است.

ارزش‌سنجی فعل اخلاقی از جهت خود فعل (موقعیت فعل اخلاقی)

برای رسیدن به حکم اخلاقی، شناخت اهداف اخلاقی کافی نیست و به تحلیلی از فعل اخلاقی نیازمندیم. در رابطه ارزش اخلاقی فعل اختیاری از جهت خود فعل، دیدگاه‌های متعددی وجود دارد. برخی افعال را به جهت خودشان فاقد ارزش اخلاقی می‌دانند و برخی برای آنها ارزش ذاتی و مطلق قائلند و برخی برای افعال ارزش اقتضائی در نظر می‌گیرند. (قوشچی، بی تا، ۳۳۷-۳۴۰؛ حلی، ۱۴۲۵، ۴۱۷-۴۱۹) فارغ از نقد دلایل هر دیدگاه، معتقدیم که افعال به خودی خود تأثیرات و پیامدهایی دارند که می‌توان نسبت آنها را با هدف اخلاق سنجید.

فعل اخلاقی در هر موقعیتی با توجه به شرایط تحقق آن صفاتی خواهد یافت. گاهی تأثیرات آن صرفاً برای خود فرد است و گاهی به دیگران نیز سرایت می‌کند. تأثیرات بینشی، گرایشی و رفتاری نزدیک‌ترین تأثیرات فعل بر فاعل است و در مرتبه دیگر تأثیر بر متعلقات و داشته‌های فرد است که قابل سنجش می‌باشد. از اتلاف و اسراف دارایی‌ها تا تولید خیرات بیشتر همگی از آثار فعل اختیاری هستند.

ارزش‌سنجی فعل اخلاقی از جهت نیت

نیت در لغت به معنای قصد انتقال از جایی به جای دیگر، قصد، عزم و توجه قلبی، و همچنین امر مقصود و جهت مقصود به کار رفته است. (فراهیدی، ۱۴۰۵، ص ۳۹۳-۳۹۴) در واقع نیت انگیزه‌ای آگاهانه

است که از مقدمات اراده بوده و در فعل اختیاری تأثیر می‌گذارد. (مصباح، بی‌تا، ص ۲۱) نیت را می‌توان از سنخ گرایش‌های انسانی دانست که با بینش و شناخت همراه است. برای سنجش یک عمل اخلاقی نمی‌توان به بررسی ماهیت عمل یا ویژگی‌های اهداف اخلاقی بسنده کرد. ارزش فعل اخلاقی مشروط به نیت است و به همین جهت بررسی نیت در فهم ارزش عمل ضروری است. (مجتبی مصباح، ۱۳۹۱)

نکته حائز اهمیت در نیت این است که متعلق آن همواره امری درونی است که فاعل آن را کمال خویش می‌داند و با نیت انجام فعل قصد اکتساب آن را دارد. به تعبیر دقیق‌تر متعلق نیت همان کمال مفروض در نزد فاعل است. (همان) البته اینکه کمالی که فرد برای خود در نظر می‌گیرد به لحاظ هستی‌شناسی قابل بررسی و ارزش‌سنجی است. ارزش کمال مفروض امری اخلاقی نیست اما در سنجش ارزش اخلاقی قابل استفاده است. به این ترتیب که با سنجش کمال خواسته شده با کمال نهایی می‌توان ارزش اخلاقی نیت را احتساب کرد.

قابل ذکر است که نیت به تنهایی و فارغ از تحقق فعل نیز قابل ارزش‌گذاری اخلاقی است. به این ترتیب که گاهی فرد نیت عملی را دارد که شرایط تحقق بیرونی آن محقق نیست، با این وجود این نیت اگر نیکو باشد نتایج و پیامدهای وجودی نیکویی برای او به همراه خواهد داشت. همچنانکه ممکن است عملی با نیت خاصی تحقق یابد اما در اثناء امکان ادامه آن عمل تغییر کند و یا اینکه عمل با نیت متفاوتی ادامه یابد که همه اینها در ارزش اخلاقی موثر است. (همان)

تاکنون از نیت به عنوان یک عامل در سنجش ارزش اخلاقی بحث کردیم. با توجه به اینکه نیت امری درونی است، برای سنجش ارزش آن از دو راه می‌توان بهره برد. درون‌کاوی توسط فاعل اخلاقی راهی برای شناخت دقیق نیت است. گاهی جنبه‌های مختلفی از نیت از دید فاعل مخفی می‌ماند که با درون‌کاوی و تأمل در خطورات ذهنی و تمایلات قلبی می‌توان آن را آشکار کرد. روش دیگر برای شناسایی متعلق نیت، استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های روان‌شناختی است. یک مشاور اخلاقی با استفاده از مصاحبه‌های تشخیصی و پرسش‌های اکتشافی در کنار تست‌ها و تکنیک‌های روان‌شناختی می‌تواند متعلق نیت را کشف کرده به مراجع خود کمک کند.

ارزش‌سنجی فعل اخلاقی در رابطه با خیر دیگران

مکاتب نتیجه‌گرای اخلاقی را از یک جهت می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد؛ مکاتب خودگرا^۳ و دیگرگرا^۴ (kraut, ۱۹۹۸, pp. ۲۴۶-۲۴۸). مکاتب خودگرا معیار را خیر و منفعت فاعل می‌دانند، درحالی‌که مکاتب دیگرگرا خیر دیگران را معیار قرار می‌دهند. (حسینی سورکی، ۱۳۸۵) خودگرایان بر این باورند که حتی رفتارهای خیرخواهانه نیز برای تأمین خوشایندهای درونی و لذت بردن از آنها انجام می‌گیرد (See: Pojman (L.P.; ۱۹۹۹, P:۶۶) درحالی‌که دیگرگرایان معتقدند عملی که برای خیر خود انجام شود خودخواهانه و غیر اخلاقی است. فارغ از طرح و بررسی اقسام دیدگاه‌ها و استدلال‌هایشان در حوزه مکاتب اخلاقی تلاش‌هایی صورت گرفته تا وجه جمعی بین خیر فاعل و دیگران به وجود آورد. مکتب سودگرایی تلاشی در همین راستاست (Bentham, ۲۰۰۰, p. ۱۴) که با انتقاداتی نیز مواجه شده است. در اینجا به دنبال این هستیم که دیدگاه مورد قبول را در رابطه با خیر و نفع دیگران بررسی کنیم تا خود شاخص و معیاری برای سنجش اخلاقی در اختیار باشد.

لازم به ذکر است که ارزش‌ها اخلاقی با توجه به هدف اخلاق که رسیدن به سعادت و کمالات انسانی است نمی‌تواند از منافع و خیر فاعل غافل باشد و مثلاً ارزشی را الزام کند که به شقاوت فاعل منتهی گردد، زیرا چنین الزامی با هدف اخلاق در تعارض است. ارزش‌های اسلامی نیز بدون تردید خواهان رسیدن فاعل به سعادت و فلاح و رستگاری هستند و راه رسیدن به این مطلوب را نشانگرند. مکتب اخلاقی اسلام درعین‌حال مسأله خیر دیگران را مورد توجه قرار داده است. توجه به خیر دیگران یکی از عوامل مهم در رهیافت فاعل به سعادت و کمالات اخلاقی خویش است. (مجتبی مصباح، ۱۹۹۸، ص ۲۰۶) همچنین در احتساب خیر دیگران معیارهایی برای سنجش قابل ارائه است. فردی که در جهت رفاه زندگی دیگران گام برمی‌دارد، قطعاً عمل شایستی انجام داده است، اما کسی که خیرات اخروی دیگران را فراهم می‌کند، خیر بیشتری به ایشان رسانده و فعلش بارزتر است. به همین جهت کار انبیاء و معلمان راه هدایت بالاترین خیر را به همراه دارد. پیامبر اکرم (ص) با اشاره به همین واقعیت در توصیه‌ای به حضرت علی (ع) می‌فرماید: «لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيَّ يَدَيْكَ

^۳ Ethical egoism.

^۴ Ethical Altruism.

رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ؛ اگر خداوند عزّ و جلّ با دستان تو کسی را هدایت کند، به طور حتم از آن چه خورشید بر آن طلوع و غروب کرده است برایت بهتر است. (کلینی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۳۶)

ارزش‌سنجی فعل اخلاقی با توجه به اصول و قواعد عام و خاص مربوط به اجتماع

اجتماع انسانی برای بقا و ارتقا نیازمند به ضوابط و قواعدی است. همانطور که برخی از اعمال به تضعیف انسجام اجتماعی می‌انجامد برخی از اعمال انسجام اجتماعی را بیشتر کرده و به اخلاقی بودن جامعه کمک می‌کند. عمل در چهارچوبه قواعد مطلوب اجتماعی اخلاقی و پسندیده خواهد بود. (احمدی‌امین، ۱۴۰۰، ص ۶۸) جامعه مطلوب کمالی اختیاری برای فرد به حساب نمی‌آید، لکن داشتن چنین جامعه‌ای بستری مناسب برای رشد اخلاقی خواهد بود و به این ترتیب مطلوبیت اخلاقی پیدا می‌کند.

این معیار با معیار قبلی که تحصیل خیر دیگران بود متفاوت است. این معیار به چهارچوبه و قواعد جامعه مطلوب اشاره دارد که بودن آن می‌تواند خیرات فراوانی به همراه داشته باشد. برای توضیح تفاوت این دو معیار می‌توان از دو صفت احسان و عدل بهره برد. عمل محسنانه و عادلانه احسان به جهت اخلاقی مثبت هستند که در ارتباط با دیگران و جامعه قابل تأملند. احسان نیکوست زیرا خیری برای دیگران تأمین می‌کند و متناسب با فاعل خیرخواه است. عدل نیز نیکوست زیرا جامعه‌ای مطلوب تأمین می‌کند و متناسب با فاعل عادل است. امام علی (ع)، در بیان تفاوت عدل و احسان، عدل را به معنای انصاف و احسان را به معنای نیکی و تفضل دانسته‌اند. (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۳۱) رعایت انصاف به این است که در تنصیف و تقسیم خیرات حق هرکسی به او داده شود و نیکی و تفضل در اعطای خیرات مورد استحقاق خود به دیگران است. بنابراین دو نگاه در سنجش اخلاقیات وجود دارد که یکی در انتقال خیرات فاعل به دیگران بدون چشم‌داشت است و دیگری در تنظیم و تنسيق و رعایت ضوابط و قواعد عام حاکم بر جامعه مطلوب است.

اصل عدالت اجتماعی را می‌توان در رأس اصول مطلوب اجتماعی دانست. اینکه هر فردی به حق خود برسد و به کسی در حقوقش ظلمی نشود. عدالت، اصلی اخلاقی و دارای گستره‌ای وسیع است که این وسعت به دیدگاه‌های متعدد و متشتت انجامیده است. (واعظی، ۱۳۹۳، ۲۳-۲۴) قواعد دیگری می‌توان یافت که ذیل اصل عدالت قابل طرح است و به بهسازی اجتماعی می‌انجامد. قواعد سیمین و زرین که در ادیان و مکاتب

اخلاقی متعددی ارائه شده‌اند چنین ویژگی‌ای دارند. (ر.ک: سینگر، ۱۳۹۲، ص ۵۶) اصل آزادی‌های مشروع اجتماعی نیز این ویژگی را دارند.

اصول عام اخلاقی که بیانگر جامعه عادلانه و مطلوب هستند وظایفی اجتماعی در اختیار می‌نهد که معیاری برای استدلال اخلاقی خواهند بود. رفتار اخلاقی نمی‌تواند در مقابل این قواعد اخلاقی باشند. رفتاری که عدالت اجتماعی را نقض کند و حقی را از کسی پایمال کند نامطلوب است و رفتاری اخلاقی که این قواعد را نیز حفظ کند مطلوبیت مضاعف می‌یابد.

علاوه بر اصول عام اخلاقی که در همه حوزه‌های اخلاق اجتماعی کاربرد دارند، می‌توان از قواعد و کدهایی سخن گفت که به یک حوزه فعالیت اجتماعی خاصی مربوط هستند. حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، جنگ و قضاء، تعلیم و تربیت و مواردی دیگر می‌توانند قواعد اختصاصی داشته باشند که بر اساس آنها استدلال اخلاقی شکل خواهد گرفت. به عنوان مثال از اصل عام عدالت اجتماعی اصولی در حوزه‌های مختلف عدالت می‌توان استنتاج کرد که هرکدام اقتضای خود را دارند. عدالت تصحیحی، عدالت جبرانی و عدالت توزیعی از جمله این موارد است. (ارسطو، ۱۳۷۸، ص ۱۷۲)

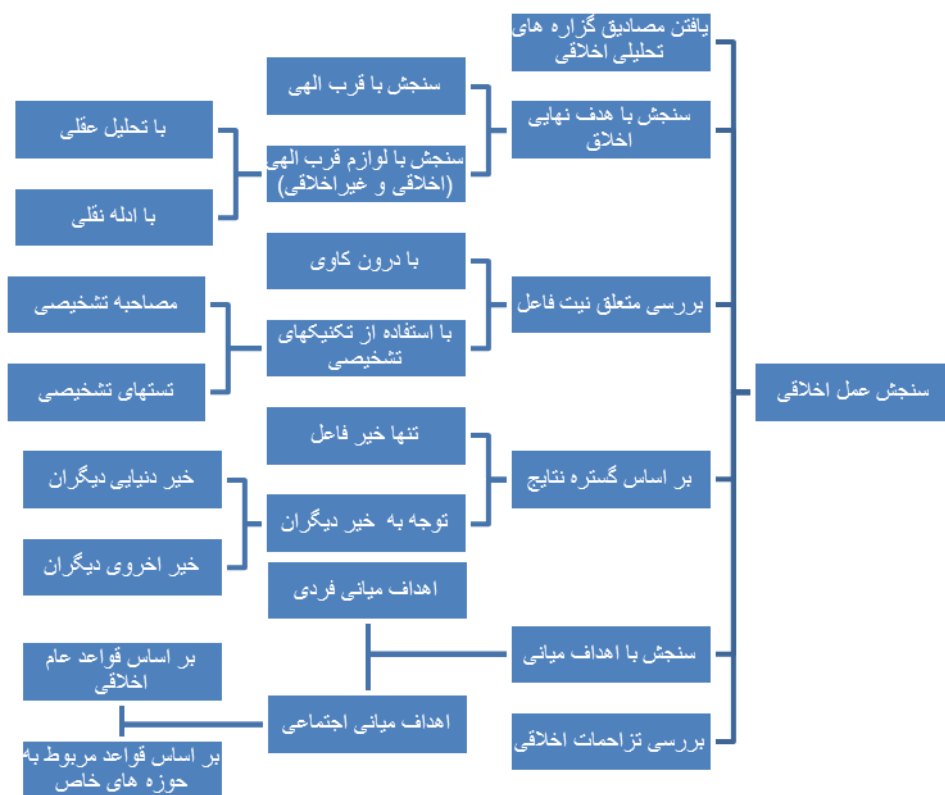
ارزش‌سنجی فعل اخلاقی در تراحمات اخلاقی

همه استدلال‌های اخلاقی نیازمند به یک گام نهایی هستند که مطابق آن به تراحمات اخلاقی ممکن پرداخته شود. تراحم اخلاقی به معنای عدم امکان امثال ید و یا چند الزام اخلاقی در زمان واحد است. (شریفی، ۱۳۹۱، ص ۴) ممکن است فعلی در سنجش اخلاقی مثلاً ۱۰+ امتیاز داشته باشد اما همین فعل در موقعیت‌های مختلف و در اثر تراحم با افعال دیگر ارزشش کم یا زیاد شده و حتی فاقد ارزش یا دارای ارزش منفی گردد. (رک، مجتبی مصباح، ۱۳۸۵، ص ۵۴) کمک به دیگران را که مصداق خیرخواهی و عملی ارزشمند است فرض بگیرید. این عمل می‌تواند در شرایط خاصی ضد ارزش تلقی شود. کمک به دیگران با فرض آسیب زدن به افرادی دیگر، یا تراحم با الزامی مهم‌تر، یا وجود افرادی نیازمندتر و مانند آن ممکن است ارزش خود را از دست بدهد. تحقق تراحمات اندیشمند اخلاقی را ملزم به سنجش اهمیت گزینه‌های متراحم می‌کند تا فرآیند استدلال کامل گردد و وظیفه اخلاقی شناسایی شود.

در کتاب‌های اصولی و اخلاقی بحث از تزامم طرح گردیده و ما به ذکر دو مورد اکتفا می‌کنیم. مظفر شاخص‌های تشخیص اولویت در تزاممات را به ایت شکل بیان می‌کنند: ۱- اهمیت اساس اسلام؛ ۲- تقدم حق الناس بر تکالیف اختصاصی؛ ۳- تقدم جان و ناموس بر دیگر امور؛ ۴- تقدم رکن در عبادت بر غیر رکن؛ ۵- دروغ مصلحت‌دار بر راست فتنه‌انگیز؛ ۶- الزامی که بدل دارد نسبت به الزامی که بدل ندارد؛ ۷- الزام با زمان محدود در مقابل الزامی که زمانی فراختر دارد؛ ۸- الزامی که زمان مختص دارد نسبت به غیر آن؛ ۹- الزامی که مشروط به قدرت شرعی نیست مقدم بر الزامی است که چنین شرطی ندارد؛ ۱۰- الزامی که به جهت زمان بر دیگری تقدم دارد. (مظفر، ۱۴۲۴ ق، ص ۱۲۵-۱۲۷) در یک تحقیق دیگر به هفت شاخصه برای شناسایی اهم در تزاممات اخلاقی اشاره شده که عبارتند از: ۱- درجه‌بندی مصالح؛ (۱/۱- تقدم مصلحت به اعتبار تقدم و تأخر؛ ۲/۱- تقسیم مصلحت بر پایه دامنه شمول افراد، ۳/۱- تقسیم مصلحت به دنیوی و اخروی؛ ۴/۱- تقسیم مصلحت بر پایه اعتبار شرعی؛) ۲- درجه‌بندی براساس احکام تکلیفی؛ ۳- درجه‌بندی براساس انواع واجب و حرام؛ ۴- تطبیق با اهداف کلی و اصول اخلاق؛ ۵- تقدم امر اضطراری بر امر عادی؛ ۶- تقدم امر محتمل الأهمیته؛ ۷- تقدم براساس برخی خصوصیات خاص اخلاقی هریک از طرفین. (رضوانی، ۱۳۹۲)

با توجه به معیارهای ارائه شده در جهت استنباط حکم اخلاقی می‌توان نموداری ارائه داد. بررسی‌های

همه‌جانبه در استدلال اخلاقی اطمینان بیشتری بر صحت استدلال فراهم می‌کند.



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

حکم اخلاقی بیان‌کننده رابطه واقعی فعل و اثر آن در مقایسه با هدف اخلاق است. برای یافتن روش شناخت چنین واقعیتی که از نوعی نسبت‌سنجی قابل انتزاع است، لازم است تمام مولفه‌های موثر در این نسبت به خوبی احصا شده و شیوه استدلال بر اساس هر مولفه روشن گردد. مولفه هدف نهایی اخلاق و ویژگی‌های آن در استنباط حکم اخلاقی بسیار موثر است؛ از این رو سنجش پیامدهای یک عمل با هدف نهایی و لوازم آن روشی برای رسیدن به حکم اخلاقی است. اهداف میانی که تأمین‌کننده نیازهای انسان در مسیر رشد او هستند نیز می‌توانند به عنوان معیار سنجش قرار گیرند، با این ملاحظه که ارزش آنها مطلق نیست و به اندازه‌ای که برای رسیدن به هدف لازم هستند باید اکتساب شوند. نیت فاعل عامل مهم و تعیین‌کننده‌ای در استنباط حکم اخلاقی است. نیت فرد به ارزش متعلق آن می‌باشد. نیت امری درونی است و به‌سادگی قابل سنجش نیست. درون‌نگری توسط هر فرد و روش‌های تشخیصی توسط اندیشمندان اخلاقی که با روانشناسی آشنایی دارد، روشی دیگر در سنجش ارزش نیت فرد است. تحلیل خود فعل نیز در استدلال اخلاقی موثر است، هر فعلی ویژگی‌ها

و پیامدهایی دارد که روشن شدن این پیامدها مقدمه سنجش آنها با اهداف اخلاقی خواهد بود. گستره پیامدهای افعال یکسان نیست و گاهی مختص به فاعل است و گاهی شامل افراد بیشتری می‌شود و بالتبع کمالات بیشتری را برای فاعل اخلاقی به همراه دارد. نکته دیگر اینکه انسان عموماً منفک از زندگی اجتماعی نیست و زیست جمعی بدون ضوابط و قواعد ارزشی سامان نمی‌یابد. توجه به قواعد عام و خاص اجتماعی معیاری دیگر در تعیین ارزش اخلاقی است و نهایتاً پس از همه این بررسی‌ها لازم است تراحمات اخلاقی بررسی شود و اولویت‌ها تشخیص داده شود.

منابع

- نهج البلاغه.
- احمدی‌امین، علی، ۱۴۰۰، اخلاق کاربردی، قم، نشر هاجر.
- ارسطو، ۱۳۷۸، اخلاق نیکوماخوس، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران، طرح نو.
- حسینی سورکی، محمد، ۱۳۸۵، بررسی و نقد نظریه خودگرایی اخلاقی، پژوهش‌های فلسفی-کلامی، شماره ۲۹.
- حلی، یوسف ۱۳۶۳، انوار الملکوت فی شرح الیاقوت، تحقیق نجمی زنجانی، قم: انتشارات رضی.
- رضوانی، علی، ۱۳۹۲، شاخصهای تقدیم اهم بر مهم در تراحم‌های اخلاقی، معرفت اخلاقی، سال چهارم، شماره اول، بهار و تابستان.
- زادیوسفی، امیرحسن و داود حسینی، ۱۳۹۲ تعریف قضایای تحلیلی از منظر محمدتقی مصباح یزدی، حکمت معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال چهارم س، شماره سوم.
- سالیوان، راجر، ۱۳۸۰، اخلاق در فلسفه کانت، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، طرح نو.
- سینگر، مارکوس، ۱۳۹۲، قاعده زرین، ترجمه غلامرضایی، زهرا، در مجله اطلاعات حکمت و معرفت، سال هشتم، شماره ۵.
- شریفی، احمدحسین، ۱۳۹۱، جزوه درسی اخلاق کاربردی، قم، دانشگاه معارف اسلامی.
- شکوری، مجتبی و فاطمه حاجی اکبری، رحیمه شمشیری، ۱۳۹۹، بازنگری هرم مازلو در مقایسه با مدل قرآنی نیازهای انسانی بر اساس گونه شناسی جزاهای اخروی، تحقیقات علوم قرآن و حدیث سال هفدهم تابستان شماره ۲.
- الفراهیدی، الخلیل بن احمد، ۱۴۰۵ ه.ق، العین، ج ۸، قم، دارالهجره.
- فرانکنا، ویلیام کی، ۱۳۸۹، فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی، قم، نشر طه.
- قوشچی، علاءالدین علی بن محمد (تابی)، شرح تجرید العقائد، قم: منشورات رضی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۴ اصول کافی، ج ۵، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

لاهیجی، عبدالرزاق، ۱۳۶۴، سرمایه ایمان در اصول اعتقادات، به تصحیح صادق لاریجانی، تهران، الزهراء.

مازلو، آبراهام. اچ ۱۳۷۲، انگیزش و شخصیت، ترجمه احمد رضوانی، مشهد: آستان قدس رضوی.

مروتی، سهراب و فرزاد غلامی، مینا یعقوبی، حمیدرضا بهرامی، ۱۳۹۲، نقد و بررسی «سلسله مراتبی بودن نیازهای انسان در نظریه مازلو» با رویکردی بر آیات قرآن کریم، پژوهشهای علم و دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان.

مصباح، مجتبی، ۱۳۸۵، بنیاد اخلاق، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح، مجتبی، ۱۳۹۸، فلسفه اخلاق، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح، مجتبی، ۱۳۹۱، نقش نیت در ارزش اخلاقی، اخلاق و حیانی، سال اول، زمستان شماره ۲.

مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۱، اخلاق در قرآن، ج ۳، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۰، چکیده‌های از اندیشه‌های بنیادین اسلامی. قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۳، دروس فلسفه اخلاق، انتشارات اطلاعات، چاپ سوم، تهران.

مصباح یزدی، محمدتقی، بی‌تا، کلمه حول فلسفه الأخلاق، قم، انتشارات در راه حق.

مظفر، محمدرضا، ۱۴۲۴ ق، اصول فقه، قم، نشر جهان.

مور، جورج ادوار، ۱۳۸۸، مبانی اخلاق، ترجمه غلامحسین توکلی و علی عسگری یزدی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

واعظی، احمد، ۱۳۹۳، نقد و بررسی نظریه‌های عدالت، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

Bentham, Jeremy, ۲۰۰۰, An Introduction to the Principles of Morals and Legislation, Kitcheners, Batches Book.

Pojman L.P, ۱۹۹۹, ethics discovering right and wrong, Wadsworth publishing company, U.S.A.

Richard kraut, ۱۹۹۸, "Egoism and Altruism" in: Routledge Encyclopedia Vol. ۳.